

## بقلم : آقای مخبرهمايون

نکات تاریخی

### واقعه قتل میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک

از جنوب به پایتخت مراجعت میکردم در راه قم نیمه شب کالسکه من بادو کالسکه دیگر که از تهران میآمدند تلاقی کردند و هر سه توقف نمودند رانندگان مشغول صحبت شدند من در کالسکه خواب آلود بودم و مذاکرات آنها را نمی شنیدم پس از آنکه کالسکه ها به راه افتادند راننده نزدیک شده سر را داخل کرده گفت جنازه امین السلطان بود که برای دفن به قم میبردند. راننده وقتی بهت مرا مشاهده کرد توضیح داد که در میدان بهارستان مقابل در مجلس با گلوله مضروبش کرده اند اول فکری که برای من دست داد این بود که ضربت بدست جمعیت مخصوصی که خود را وابسته بملک میدانستند وارد گردیده ، در مملکت شاه مقتدر بود و وزراء و امراء باطاعت او مجبور بودند بسا کسانی که این متابعت را برای ارتزاق و زنده گانی در جامعه تحمل میکردند و چاره ای نداشتند ولی این دسته قاطبه زمامداران و کارمندان را مستبد میخواندند پس جای تعجب نیست که امین السلطان هم به تقصیر مستبد بودن بدست آنان مضروب شده باشد .

برای اثبات مقال حکایتی را نقل میکنم میرزا تقیخان امیر کبیر مدرسه دارالفنون را تأسیس کرد معلمین اروپائی برای هر رشته از علوم استخدام شدند شاهزادگان و امیرزادگان در آن مدرسه بآموزش مشغول شدند این مدرسه دائر بود و عده ای دانشمند از آنجا خارج شدند برادران ناصرالدین شاه رکن الدوله فرانسه میدانست ، عزالدوله انگلیسی را آموخته بود تا آنکه ملکم خان از اروپا آمده از آزادی دم میزد فراموشخانه تأسیس کرد البته مؤثر هم شد ولی در اطراف شاه عده ای این آزادی را که رو به رواج گذاشته بود برای استفاده خود و مصالح ناصرالدین شاه مضر تشخیص داده از راه دولتخواهی به ناصرالدین شاه مزار این آزادی را گوشزد کردند .

از آن تاریخ آموزش مطلوب نبود ملکم با سمت ستغیری به لندن تبعید شد شاه مخبر الدوله وزیر معارف را خطاب کرده گفت این مدرسه برای این است که اسمش در سالنامه مذکور شود واحدی از آنجا نباید دانا خارج شود ولی مدرسه‌ای دایر بود و کلاسهای تشکیلی میشد باینکه تشویقی در کار نبود عده‌ای هم دانا شدند. مخبر- الدوله اولاد خود را فرستاد به برلن برای تحصیل پس نمیتوان مخبر الدوله را محکوم کرد باینکه با دانش مخالف بوده است. سالی یکم تبه ناصر الدین شاه به مدرسه می‌آمد معلم در حضور شاه از کودن‌ترین محصلین سؤالاتی میکرد بدیهی است محصل کودن از جواب عاجز میماند و خاطر شاه خرسند میگردد. ذکر اسامی دانشمندانیکه از مدرسه دارالفنون خارج شدند زیاد است و در اینجا از ذکر نامشان خودداری میشود صبح وارد پایتخت شدم همه را مبهوت یافتم اینطور شایع بود که عباس آقا ضارب بوده و از انجمن آدمیت مأمور بوده است تعجب کردم زیر دانستم انجمن آدمیت نسبت بجان کسی نظری نداشت.

در اوقاتی که ملکم خان فراموشخانه را تأسیس کرده بود یکنفر از اعضاء فراموشخانه که نام او میرزا علی اکبر وشغل او ساعت سازی بود پس از عزیمت ملکم بجانب لندن ادعا داشت که جانشین ملکم است بدیهی است فراموشخانه بسته شده بود و دیگر احتیاجی بجاننشینی برای ملکم نبود ولی میرزا علی اکبر هم جلساتی برای مذاکرات در زمینه آزادی تشکیلی میداد.

میرزا عباسقلی از حاشیه نشینان ابن مجالس بود وقتی مملکت مشروطه شد وانجمنها تشکیلی میشدند میرزا عباسقلی هم با این ادعا که از مکتب ملکم بیرون آمده بعنوان تقویت آزادی انجمن آدمیت را تأسیس کرد و داوطلبان عضویت انجمن آدمیت میبایستی ده تومان به میرزا عباسقلی تأدیه کنند.

این داوطلبان آدمیت آخر آدم نشدند ولی میرزا عباسقلی به منظور خود که استفاده بود نائل گشت.

این توضیح هم زائد نیست که میرزا عباسقلی سه هزار تومان هم از محمدعلی میرزا اخذ کرد و شاه هم بعضویت پذیرفته شد .

### شناسنامه امین السلطان

وقتی گرجستان را روسها تصرف کردند طوایفی بایران پناهنده شدند از جمله جد امین السلطان . آقا ابراهیم پدر امین السلطان بخدمت شاه پذیرفته شد و شغل او آبداری بود ولی لیاقتی داشت و بمشاغل دیگر دست اندازی میکرد و بهر کاری دست میانداخت خدماتش مورد پسند واقع میشد از جمله تأسیس ضرابخانه بود و سکه زنجیره دار یکقرانی و دوقرانی در این ضرابخانه رایج شد و آقا ابراهیم ملقب بامین السلطان گردید، پسر پس از مرگش با همان لقب جای او را گرفت و در مدت سی سال اسم صدارت با میرزا یوسف مستوفی الممالک بود ولی کارها بدست امین السلطانها رتق و فتق میشد .

مظفرالدین شاه آرزوی مسافرت دوم را بفرنگستان داشت ولی امین السلطان میدانست که این مسافرت استقراض دیگری را از روسیه ایجاب خواهد کرد، صلاح خود را در این دید که استعفاده عازم سفر حج شود، بامخبر السلطنه روانه شدند پس از زیارت کعبه بچین و ژاپون بسیاحت رفته از راه امریکا باروپا مراجعت کردند مخبر السلطنه بایران آمد و امین السلطان در جنوب فرانسه در شهر بولیو سکنی اختیار کرد .

### قتل امین السلطان بر روایت دیگر

از ناصرالدین شاه چند پسر باقی مانده بودند هر یک پانصد تومان ماهانه داشتند رکن السلطنه یکی از آنان باعیال و اطفال در اروپا میزیست ، مجلس این مستمری هارا مقطوع ساخت .

رکن السلطنه دکانی باز کرده بافروش سبزی و میوه ارتزاق میکرد من این سبزی فروش را باجبه و تمثال مرصع دیده بودم منزل او در تهران باغ نگارستان که حالا مدرسه صنایع مستظرفه است بود.

روزی در اطاق محقری در همین مکان نشسته بودیم و یاد از ایام جوانی میکردیم از قتل امین السلطان صحبت بمیان آمد از واقعه اطلاعات دقیق داشت و برای من نقل کرد.

### سرگذشت قتل امین السلطان از قرار بیان رکن السلطنه که خود حاضر و ناظر و دخیل بوده است

محمد علی میرزا برای بر انداختن ریشه آزادی جلساتی تشکیل میداد علی بیگ (ترك) شاپشال (روس) امیر بهادر مختار السلطنه (کاشی) رکن السلطنه و موقر السلطنه در این جلسات شرکت داشتند.

شبی از امین السلطان یاد میکنند و صلاحیت او برای انجام منظور باتفاق آرا تصویب میشود و بوسیله تلگراف احضار میگردد، وقتی تلگراف بدست امین السلطان میرسد کتابچی (ونسان) حاضر بوده نقل میکرد که امین السلطان عقیده داشت از قبول دعوت استنکاف نماید پسرش حاجی میرزا احمدخان و کتابچی باین عنوان که این دعوت برای خدمت بمملکت است او را باجابت تشویق نمودند و پذیرفته شد.

امین السلطان وارد شده محمد علی میرزا باو خطاب کرده میگوید من شما را برای عهده داری زمام امور مملکت خواستام چه صلاح میدانید آیا باید مجلس را منحل کرد یا متابعت مجلس را عهده دار میشوید او جواب میگوید ملتی که آزادی بدست آورد از دست نخواهد داد هر گاه و کلا عاری از صلاحیت باشند انتخابات باید تجدید شود.

امین السلطان با این نظر اجضار نشده بود که آزادی را تقویت نماید ولی محمدعلی میرزا صلاح وقت را باین دید که با عقیده امین السلطان موافقت کرده اورا بریاست وزرا برقرار نماید و درموقع مقتضی دست اورا از کار کوتاه کند .

همان شب جلسه تشکیل میشود و اعضاء هر يك عقیده ابراز میدارند ، عقیده موقر السلطنه این بود که امین السلطان بعالم دیگر تبعید شود و انجام عقیده خود را برعهده میگیرد .

امین السلطان وزرای کابینه خود را انتخاب کرده و روز دیگر برای معرفی بمجلس میرود .

پس از ادای مراسم امین السلطان از در مجلس خارج میشود که در کالسکه سوار شود موقر السلطنه با عده همدست منتظر او میشوند ، همدستان خاک به هوا پاشیده غبار فضا را فرا میگیرد تیر موقر السلطنه اصابت نموده و رئیس الوزرای مشروطه خواه از پای در میآید .

صدای تیر جمعیت میدان را بطرف مجلس جلب کرده در نتیجه خیابان شاه آباد خلوت میشود و موقر السلطنه در آنجا عباس آقا را هم مضروب ساخته و رولور را در کنار او گذاشته راه خود را در پیش میگیرد .

این شهرت که عباس آقا از طرف انجمن آدمیت امین السلطان را بقتل رسانیده با هیچ منطقی وفق نمیدهد کسانی که از جریان امور اطلاعی دارند آگاهند که پایه تمام اقدامات روی منافع خصوصی گذاشته میشود . از میرزا عباسقلی هم شکی نیست که کیسه هم برای استفاده از امین السلطان دوخته بود این هم مسلم است که قاتل برای خود کشتی طول میدان بهارستان را طی نمیکند . پس از آنکه این مسافت را باو مجال دادند که بپیماید دیگر خطری برای خود نمیدید . پس این شهرت برخلاف واقع و بنفع موقر السلطنه بوده که خود را مبرا کند و نیز بنفع میرزا عباسقلی که توجهات را بجانب خود جلب نماید .